

کتابخانه تخصصی مطالعات منطقه‌ای و بین‌المللی  
پژوهش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی  
پشتیبانی از پژوهش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

## اصلاح ساختار اقتصادی در چین \*

مترجم: علی ضرعانی

یادداشت ناشر

آنچه در پی این یادداشت خواهید خواند ترجمه یک سند رسمی است که در سومین نشست عمومی دوازدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین (۲۵ اکتبر ۱۹۸۴) تدوین شده است. انتشار این سند، در مسأله‌های سیاسی و اقتصادی جهان، با شگفتی، روبه‌رو گردید و گروهی بر آن، با ناپاوری نگریستند. گزیده‌ها توجه به مسأله‌هایی که در زمینه اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی کارگزاران شبکه برنامه‌ریزی کشور دارد، ترجمه و انتشار این سند را ضرور دیده است. البته در برخی از بخش‌های این سند، آوازه‌گرهایی را شاهد هستیم که مطابق معمول، برای حفظ امانت، همه آنها را آورده‌ایم، چرا که باور داریم خوانندگان گزیده، آگاهند و درست از نادرست را خود تشخیص می‌دهند و نیازی به توضیح و تحلیل و تعلیل ما ندارند. اما شگفت‌انگیزتر این است که درست چند ماه پس از انتشار سند مورد بحث، در سومین جلسه ششمین کنگره ملی خلق چین، آقای ژائو زیانگ نخست وزیر چین، در ارتباط با "اصلاح ساختار اقتصادی" که امهات آن در سند ترجمه شده آمده، سخنانی ایراد کرده است که به قول مجله "تایم" زمستانی و دلسردکننده "بوده و در آن به "افزایش سریع در اعمال ناسالم... پس از اصلاحات، اشاره شده است. ما ترجمه مقاله "تایم" را هم به دنبال آورده‌ایم تا همه چیز کامل باشد.

\* "Decision on reform of the economic structure," China Daily, (Oct. 22, 1984), 9-12.



سومین جلسه عمومی دوازدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، با تحلیل وضعیت جاری اقتصادی و سیاسی چین و جمع‌بندی تجربه در ساختمان سوسیالیستی، هم مثبت و هم منفی، و بویژه تجربه اصلاح ساخت اقتصادی در مناطق شهری و روستایی در چند سال گذشته، به اتفاق آرا، نظر می‌دهد که بر مبنای نیاز گلی به ساختمان سوسیالیسم با ویژگیهای چینی از طریق تلفیق اصول اساسی مارکسیسم با شرایط عینی چین، باید در سیاست تقویت اقتصاد داخلی و بازکردن درها به جهان خارج و در مجموع شتاب بخشیدن به تجدید ساختمان اقتصاد ملی، با تمرکز بر روی اقتصاد شهری، گامی جلوتر رویم، تا شرایط جدید و بهتری برای نوین سازی اقتصاد سوسیالیستی خود ایجاد نماییم.

۱. اصلاحات نیاز مبرم در توسعه کنونی چین است.

چین برای چند سال اصلاح ساخت اقتصادی خود را تدارک و به اجرا نهاده است. سومین جلسه عمومی یازدهمین کمیته مرکزی حزب، در تصمیم گیری به انتقال قانون فعالیت تمام حزب به ساختمان اقتصادی، بر نیاز الزامی به اصلاح ساخت اقتصادی به منظور مدرنیزه کردن سوسیالیستی چین، تأکید کرد. پس از آن جلسه حزب تلاشهای عظیمی برای اصلاح امور و تعدیل اقتصاد ملی به عمل آورد، و به طور عمده اصلاحات را در مناطق روستایی اجرا کرد. دوازدهمین کنفرانس، بر مبنای تعبیر تاریخی منتج از تصحیح مرام (= ایدئولوژی) هدایت کننده حزب، وظیفه روشن اصلاح مرتب ساخت اقتصادی را تعیین کرد. این کنفرانس خاطر نشان ساخت که این اصلاحات تضمینی مهم برای وفاداری به راه سوسیالیستی و میل به مدرنیزه کردن سوسیالیستی می باشد. در دو سال گذشته، و بویژه از آغاز سال ۱۹۸۴، کمیته مرکزی حزب و شورای دولتی چند تصمیم در زمینه سیاستگذاری گرفته و دستورهای مهمی صادر کرده اند که اصلاحات را در زمینه های مختلف و در عمق و سطح برمی انگیزد.

تجدید ساخت اقتصاد ما موفقیت‌های بزرگی را، ابتدا در مناطق روستایی، به دست آورد. تولید کشاورزی، که برای مدتی چنان طولانی ما را نگران می کرد، توانسته است در زمانی بسیار کوتاه، بشدت توسعه یابد، و نیروی حیاتی عظیم کشاورزی سوسیالیستی ما را به نعایش بگذارد. این امر در اساس در نتیجه کسستگی کامل از عقاید "چپ‌گرایانه" است. ما ساخت اقتصاد روستایی چین را که با تکامل نیروهای مولده در کشاورزی ناسازگار بود تغییر داده و در سراسر مناطق روستایی نظام مسئولیت دادن



برای تولید بر مبنای قرارداد و اجرت مرتبط با بازده را عرضه کرده، و نیروی عظیم ابتکار ۸۰۰ میلیون دهقان برای ساختمان سوسالیم را فعال نموده‌ایم. اصلاحات روستایی در حال پیشرفت است و اقتصاد روستایی به سوی تخصص، تولید کالایی در مقیاس بزرگ و مدرنیزه شدن به پیش می‌رود. بنابراین، سازی مبرم به بار کردن مجراهای گردش پول بین شهر و ده، توسعه بازار برای میزان فزاینده محصولات کشاورزی، و برآوردن نیازهای روزافزون دهقانان به کالاهای ساخته شده، علوم و تکنولوژی و نیز فرهنگ و آموزش وجود دارد. موفقیت‌های ما در اصلاحات روستایی و تقاضا در شهرها توسط اقتصاد روستایی در حال رشد، شرایط بسیار مناسبی را جهت تجدید ساخت کل اقتصاد ملی چین، با تمرکز بر اقتصاد شهری، فراهم می‌سازد.

چنان تجدید ساختی در سالهای اخیر به طور مکرر بررسی و آزمایش شده و چند اقدام مهم انجام گردیده است. این امر نتایج برجسته و تجربه‌های مهمی به دست داده، و زندگی اقتصادی به میزانی که در طی سالهای بسیار دیده نشده بود، تقویت شده است. با وجود این، اصلاحات شهری، فقط در مرحله ابتدایی است و نقصهای ساخت اقتصاد شهری که به طور جدی از گسترش نیروهای مولده جلوگیری می‌نماید هنوز باید از میان برداشته شود. سودمندی اقتصادی نگاههای اقتصادی\* شهری ما هنوز بسیار پایین است، هنوز تا بهره‌برداری کامل از امکانات عظیم بالقوه اقتصاد شهری ما بسیار مانده است، و زبان و اتلاف جدی در تولید، ساختمان و گردش پول وجود دارد. تسریع اصلاحات شرط لازم برای رشد اقتصاد شهری است. شهرها مراکز اقتصادی، سیاسی، علمی، فنی، فرهنگی و آموزشی هستند که صنایع مدرن و طبقه کارگر در آنها متمرکز شده‌اند، و نقش اول را در مدرنیزه کردن سوسیالیستی ایفا می‌نمایند. اصلاحات جدی با برنامه، تنها راهی است که شهرها نقش پیشگامی محوله را در تقویت اقتصاد شهری و حیات بخشیدن به اقتصاد داخلی و نیز گشودن درها به دنیای خارج و کمک به توسعه سریعتر و سالمتر اقتصاد ملی در کل، بازی خواهند کرد.

باید اشاره شود که ظهور در مقیاس جهانی یک انقلاب تکنولوژیکی نوین است که هم فرصتها و هم آزمونهای جدیدی را برای رشد اقتصادی ما عرضه می‌دارد. این امر بدان معنی است که ساخت

\* نگاه اقتصادی را در مقابل واژه Enterprise به کار برده‌ایم. معادل‌های دیگر این واژه، عبارتند از مؤسسه اقتصادی، بنگاه، شرکت، واحد تولیدی، تجارتخانه، معاملات تجاری، کار و کسب ابتکاری، داد و ستد، مؤسسه.



اقتصادی ما باید به طور بهتری قادر بد استفاده از آخرین دستاوردهای علمی و فنی شود، و به پیشرفت علمی و کمک کرده و نیروهای مولده جدیدی را به وجود آورد. بنابراین، اصلاحات هر چه بیشتر، ضروری است.

وحدت و ثبات سیاسی بیش از هر زمان در چین تحکیم شده است. موفقیت‌های عمده‌ای در تعدیل اقتصادی به دست آمده است. اقتصاد به طور مداوم در حال رشد بوده است. هدف‌های عمده برنامه پنج‌ساله ششم (۱۹۸۱-۱۹۸۵) پیش از زمان تعیین شده به دست آمده است. وضعیت مالی کشور به تدریج بهبود یافته است. این امر تمام رفقای حزب و مردم تمام ملیت‌ها را نسبت به مدرنیزه کردن سوسیالیستی بسیار مطمئن کرده است. تعایل آنان به تسریع اصلاحات اقتصادی بسیار قویتر شده است. بویژه، تحکیم همه‌جانبه و منطقی سازمان‌های حزبی در سطوح مرکزی و ایالتی، مناطق خودمختار و شهری، عقاید رهبری‌کننده در تمام عرصه‌های کار، امروزین (مدرنیزه) کردن را تصحیح کرده و یا در حال تصحیح آنهاست و به اصلاحات جهت روشنی داده و یا در حال انجام آن است. اکنون شرایط برای اصلاح همه‌جانبه ساخت اقتصادی مناسب است. ما می‌توانیم و باید، به طریقی منظم، موضوعات مربوط به اصلاحات را مطرح و بیان کنیم تا به وحدت در فکر برسیم و آن را در میان تمام رفقای حزب (بویژه در میان کادرهای حزبی رهبری‌کننده) تقویت کنیم. ما باید اصلاحات را موثرتر نماییم و به برتری سوسیالیسم امکان عرض‌انداز بیشتری دهیم. کمیته مرکزی امیدوار و مطمئن است که سومین جلسه عمومی دوازدهمین کمیته مرکزی نقش تاریخی در تدوین یک برنامه کار برای اصلاحات همه‌جانبه، تسریع حرکت آن و برانگیختن امر تجدید ساخت کل اقتصاد ملی، و اقتصاد شهری به عنوان گام آن، ایفا خواهد کرد. درست همچنان که سومین جلسه عمومی یازدهمین کمیته مرکزی در تصحیح امور و مطرح ساختن وظیفه تجدید ساخت اقتصاد و پیشرفت اصلاحات روستایی انجام داد.

## ۲. اصلاحات متوجه برپایی یک ساخت اقتصاد سوسیالیستی متحرک است.

بنیانگذاری جمهوری خلق چین و برپایی نظام سوسیالیستی پایان تاریخ یک قرن بنوایی مردم ما در یک جامعه نیمه فئودال و نیمه مستعمره را نشان داد. نظام استعمار ملفی شد و مردم تمام ملیت‌ها اربابان واقعی کشور خود شدند. مردم سراسر کشور، به رهبری حزب کمونیست چین، از طریق تلاش‌های دشوار یک نظام مستقل و بالنسبه جامع صنعتی و نیز اقتصاد ملی را برپا نمودند و موفقیت‌های عظیمی



که در چین قدیم عمیقاً تصور بود را کسب کرده‌اند، و بنابراین اساس مادی ضروری برای تبدیل چین به یک کشور امروزی (= مدرن) سوسیالیستی پر قدرت و موفق با سطح بالایی از دمکراسی و معدن را پایه‌ریزی نموده‌اند. مردم تمام ملیت‌های ما از طریق تجربه تاریخی طولانی به این درک رسیده‌اند که فقط سوسیالیسم می‌تواند چین را نجات دهد.

پایه‌گذاران مارکسیسم پیش‌بینی کردند که با حذف استثمار انسان توسط انسان، سوسیالیسم آهنگ بالاتر بهره‌وری کار و سطح سریع‌تر نیروهای مولده را ممکن می‌سازد. تغییرات عظیمی که در طی ۲۵ سال از زمان سیانگ‌داری جمهوری خلق چین به وقوع پیوسته است نمونه ابتدایی برتری نظام سوسیالیستی است. اما باید اشاره شود، که این برتری هنوز باید به‌طور کامل به‌کار انداخته شود. جدا از علت‌های تاریخی، سیاسی و مرامی یک علت عمده اقتصادی برای این امر، ساخت اقتصادی انعطاف‌ناپذیری است که نمی‌تواند نیازهای نیروهای مولده در حال رشد را برآورده نماید. آنچه در زیر می‌آید کمبودهای عمده این ساخت اقتصادی است: هیچ وجه تعاضل روشنی بین وظیفه‌های دولت و بینگامهای اقتصادی تعیین نشده است؛ موانعی بین اداره‌ها با مناطق مختلف وجود دارد؛ دولت نظارت بیش از اندازه و شدیدی بر بینگامهای اقتصادی داشته است؛ اهمیت کافی به تولید کالایی، قانون ارزش و نقش تنظیم‌کننده بازار داده نشده است؛ و در توزیع، تساوی طلبی مطلق وجود دارد. این امر در بینگامهای اقتصادی، به‌فقدان قدرت تصمیم‌گیری لازم و روش "خوردن از یک طرف بزرگ" که در مناسبات بینگامهای اقتصادی با دولت و کارگران و کارکنان نسبت به موافقت خود غالب است، منجر شده است. در نتیجه اشتیاق، ابتکار و خلاقیت بینگامهای اقتصادی و کارگران و کارکنان به‌طور جدی فروکش کرده و اقتصاد سوسیالیستی از بسیاری از نیروهای حیاتی که باید در اختیار داشته باشد، محروم شده است.

چین در روزهای اول پس از رهایی و در طی برنامه پنج‌ساله اول (۱۹۵۳-۱۹۵۷) زمانی که کشور با وظیفه سنگین یکبارچه نمودن کارمالی و سایر فعالیت‌های اقتصادی خود روبرو بود، بتدریج یک ساخت اقتصادی یکبارچه و متمرکز را در مقیاس سراسر کشور برپا ساخت و انتقال سوسیالیستی صنایع و بازرگانی سرمایه‌داری و انجام ساختمان اقتصادی برنامه‌ریزی شده و در مقیاس بزرگ را اجرا نمود. با وجود این، در آن زمان نظارت در بسیاری جنبه‌ها خیلی سخت‌نمود و اقدامها و گامهایی که برای انتقال سوسیالیستی برداشتم مبتنی بر شرط واقعی چین و بسیار خلاقانه بود. اما با تکمیل اساسی انتقال سوسیالیستی و



رشد روزافزون مقیاس ساختمان اقتصادی، اقدامات اتخاذ شده برای محدود کردن و انتقال صنعت و بازرگانی سرمایه‌داری دیگر با شرایط جدید متناسب نبود. نقایص نظارت بیش از حد و سخت بتدریج در برخی جنبه‌های ساخت اقتصادی پدیدار گردید. کمیته مرکزی و بویژه رفقای مسئول در کار اقتصادی، در هشتمین کنفرانس ملی حزب در سال ۱۹۵۶ و نیز قبل و بعد از آن، این مسئله را درک کردند و پیشنهادهایی برای تصحیح آن ارائه دادند. لیکن، حزب ما، بالاخره در هدایت ساختمان سوسیالیستی بی تجربه بود. در طی سالها برخی تصورهای انعطاف‌ناپذیر درباره سوسیالیسم پروراندند که با شرایط واقعی چین مطابقت نداشت. بویژه، نفوذ اشتباهات انحرافی "چپ‌گرایانه" در مرام هدایت‌کننده حزب پس از سال ۱۹۵۷، منجر به آن شد که به اقدامات صحیح گوناگونی که متوجه حیات بخشیدن به بنگاههای اقتصادی و توسعه اقتصاد کالایی سوسیالیستی بود به عنوان "اقدامات سرمایه‌داری" نگریسته شود. در نتیجه تمام اینها، مسئله تمرکز بیش از اندازه در ساخت اقتصادی برای مدتی طولانی حل نشده باقی ماند و مهمتر از آن، جدیتر و جدیتر شد. درست است که ما در چند نوبت کوشیدیم قدرت را به سطوح پایینتر واگذار نماییم. اما این امر فقط به تعدیل قدرت اجرایی مقامات مرکزی و محلی و اداره‌ها و مناطق مختلف محدود شد. به موضوع حیاتی دادن قدرت تصمیم‌گیری به بنگاههای اقتصادی برخوردی نشد. بنابراین ما از گسستن با آیینهای کهنه شده بازماندیم.

برای انجام تغییرات ریشه‌ای در ساخت اقتصادی که از تکامل نیروهای مولده صنعت می‌کند، باید آگاهانه تجربه تاریخی چین را جمع‌بندی کنیم و شرایط مشخص و نیازمندیهای رشد اقتصادی را مطالعه نماییم. به علاوه، باید شیوه‌های پیشرفته مدیریت در جهان، از جمله شیوه‌های مدیریت در کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری که با قوانین تولید امروزی سوسیالیستی مطابقت دارد را به کار بندیم. در انطباق با اصل منطقی حزب یعنی تلفیق اصول اساسی مارکسیسم با شرایط واقعی چین و اصل اتخاذ یک برخورد درست به تجربه خارجی، کمیته مرکزی معتقد است که ما باید ذهن خود را بیشتر آزاد سازیم، راه خود را ادامه دهیم و ساخت اقتصادی سوسیالیستی با خصوصیات چینی را بسازیم که معطوف به نیرو و قدرت حیاتی است. تا آن که رشد نیروهای مولده را بالاتر ببریم. این هدف اساسی اصلاحات کنونی ماست.

در جامعه سوسیالیستی تضاد اساسی همچنان بین روابط تولیدی و نیروهای مولده، بین روبنا و زیربنای اقتصادی باقی می‌ماند. اصلاح ساخت اقتصادی چین به معنی اصلاح نمودن، با فرض وفاداری به



نظام سوسیالیستی، یک رشته از حلقه‌های مرتبط به هم روابط تولیدی و رویناست که برای توسعه نیروهای مولده مناسب نیستند. به عنوان تکلی از بهبود وضعیت خود و توسعه نظام سوسیالیستی، این اصلاحات باید تحت رهبری حزب و دولت به طور برنامه‌ریزی شده، تنظیم و با قاعده اجرا گردد. این کار باید در خدمت ثبات اجتماعی، سطح تولید، ارتقاء سطح زندگی مردم و رشد درآمدهای دولت قرار گیرد و به آنها آسیب نرساند. وظیفه اصلی سوسیالیسم تکامل نیروهای مولده، ایجاد ثروت اجتماعی هر چه بیشتر و برآوردن نیازهای رشد یابنده مادی و فرهنگی مردم است. سوسیالیسم به معنای گداپروری نیست، چرا که هدفش از میان برداشتن فقر است ما باید، با اراده‌ای استوار و حداکثر سرسختی، کار خود را به مسئله توسعه اقتصادی متمرکز دهیم و صنایع، کشاورزی، دفاع ملی و علوم و تکنولوژی چین را نو کنیم. این روند ناگزیر تاریخ و خواست مردم است، در اجرای اصلاحات، تمام رفقای حزب باید با پایداری این مفهوم اساسی دگر شده، مارکسیسم را درک کنند و با توجه کافی مراقبت نمایند که این اصلاحات این وظیفه را به عنوان مهمترین معیار برای ارزیابی موفقیت یا ناکامی تمام اصلاحات تسهیل می‌کند یا نه.

### ۲. حیات بخشیدن به بینگاههای اقتصادی کلید تجدید ساخت اقتصاد ملی است.

مسئولیت عمده و مستقیم تولید صنعتی و ساختمان و گردش کالا به دوش بینگاههای اقتصادی شهری است. آنها نیروی اصلی در تسریع رشد نیروهای مولده و تقویت پیشرفت اقتصادی و فنی را تشکیل می‌دهند. چین اکنون بیش از یک میلیون مو سه شهری صنعتی، ساختمانی، حمل و نقل، بازرگانی و خدماتی با مجموع نیروی کار بیش از ۸۵ میلیون نفر دارد. مالیات و سود تحویل داده شده توسط مو سههای صنعتی شهری به تنهایی ۸۵٪ درآمد دولت را تشکیل می‌دهد. این بدان معنی است که اشتیاق، ابتکار و خلاقیت مو سهات شهری برای تولید و بهره‌برداری و نیز ۸۵ میلیون کارگر و کارمند آنها، باید به کار انداخته شود، به سخن دیگر، بینگاههای اقتصادی شهری باید نیروی حیاتی عظیمی داشته باشند. این امر ارتباطی حیاتی با بهبود اساسی اقتصاد ملی به عنوان یک کل و وضعیت مالی و اقتصادی دولت و چهار برابر کردن ارزش تولید سالانه کشاورزی و صنعتی بین تا پایان قرن، یعنی وظیفه‌ای که توسط دوازدهمین کنگره ملی حزب تعیین گردید، دارد. سوسیالیسم با ویژگیهای چینی باید، اول و مهمتر از همه، قادر باشد تا نیروی حیاتی را در بینگاههای اقتصادی بدمد. در اصل، موانع ساخت اقتصادی کنونی ما دقیقاً "فقدان نیروی حیاتی در مو سههای تولیدی ماست. بنابراین، کلید تجدید ساخت اقتصاد ملی، و اقتصاد شهری در کانون آن، حیات بخشیدن به این مو سهها، بویژه

گردش کالا  
اقتصاد شهری



بنگاههای اقتصادی بزرگ و متوسط تحت مالکیت تمام مردم است.

با در نظر داشتن این کلید، باید به دو نوع مناسبات به طور رضایت بخش برخورد کنیم این بدان معنی است که باید قدرت تصمیم گیری بنگاههای اقتصادی تحت مالکیت تمام مردم را از راه برقراری مناسبات صحیح بین آنها و دولت توسعه دهیم، و موقعیت کارگران و کارکنان را به عنوان اربابان بنگاههای اقتصادی از طریق برقراری مناسبات صحیح بین آنان و بنگاه خود حفظ نماییم.

یکی از دلایلهای اصلی اینکه چرا در گذشته دولت نظارت بیش از اندازه و سختی را بر بنگاههای اقتصادی اعمال می کرد آن بود که مفهوم مالکیت آنها توسط تمام مردم را با مفهوم بهره برداری مستقیم توسط نهادهای دولتی یکسان نشان دهد. چنان که نظریه مارکسیستی و عمل به سوسیالیسم نشان داده است، مالکیت می تواند به طور مناسب از قدرت بهره برداری تفکیک گردد. برای این که فعالیتهای اقتصادی تمام بنگاهها با نیازهای کلی رشد اقتصادی انطباق یابد، نهادهای دولت سوسیالیستی باید، چنان که لازم است، از طریق برنامه ریزی و توسط ابزار اقتصادی، اداری و حقوقی، فعالیتهای بنگاههای اقتصادی را اداره، بازرسی، هدایت و تنظیم کنند؛ دولت باید با استفاده از مالیات، یس و سایر ابزار آن بخش از درآمد خالص بنگاههای اقتصادی را که باید توسط دولت به صورت یکپارچه ای استفاده گردد، در خزانه خود متمرکز سازد؛ دولت باید افراد اصلی رهبری کننده بنگاهها را معرفی، منصوب و برکنار کند یا استخدام آنان را تأیید نماید؛ و نیز دولت باید در مورد تشکیل بنگاههای اقتصادی، انتقال آنها به جاهای دیگر، تغییر خط تولید آنها، ادغام آنها، توقف فعالیت، یا بستن آنها تصمیم بگیرد. لیکن، از آنجا که نظامهای اجتماعی بسیار پیچیده و در وضعیت تغییر دائمی است، از آنجا که وضعیت بنگاهها با هم، هزار و یک تفاوت دارد و از آنجا که ارتباط اقتصادی بین آنها پیچیده است، هیچ نهاد دولتی نمی تواند به طور کامل، کل شرایط را بداند و به موقع از عهده همه چیز برآید؛ اگر قرار بود نهادهای دولتی انواع مختلف بنگاههای اقتصادی تحت مالکیت تمام مردم را مستقیماً اداره کنند و بگردانند، بسیار مشکل بود که از ذهنی گرایشی و دیوانسالاری جدی، و در نتیجه مرکوب نیروی حیانت بخش بنگاهها، بهره ریز کنند. بنابراین، با فرض تبعیت از برنامه های دولت و قرار دادن خود در تحت نظارت دولت، بنگاه اقتصادی قدرت اتخاذ اشکال متنوع و انعطاف پذیر فعالیت؛ برنامه ریزی تولیدی خود؛ عرضه و بازاریابی؛ نگاهداری و بودجه بندی و جوهی که حق دارد پیش خود نگاهدارد؛ انحصار، برکناری، استخدام یا انتخاب کارکنان خود بر طبق مقررات مربوطه؛ تصمیم گیری این که چگونه نیروی کار خود را



استخدام کند و به کار گیرد، و تصمیم گیری مرد و پاداش؛ تعیین قیمت محصولاتش در محدوده؛ مقرر شده توسط دولت؛ و غیره را دارد. به طور خلاصه، بنگاه اقتصادی باید به طور حقیقی یک پدیده اقتصادی به نسبت مستقل گردد و باید یک تولیدکننده و بهره بردار تولید کالایی سوسیالیستی شود که مستقل و مسئول سود و زیان خود و قادر به تعمیر و تکامل خود است و نیز به عنوان یک شخصیت حقوقی با حقوق و وظایف عین عمل می کند. این هم راه تعیین وحدت کلی رشد اقتصاد ملی به عنوان یک کل و هم تنوع و اعطای پذیری هر بنگاه اقتصادی در تولید و مدیریت و خواست آنان به پیشرفت است. این کار، به جای تضعیف مالکیت سوسیالیستی توسط نظام مردم، به تحکیم و بهبود آن کمک خواهد کرد.

مرحله «سروی حیانتخس بنگاه» در ابتکار، خرد و خلاقیت بدی و فکری کارگزارانش نهفته است. وقتی موقعیت کارگران به عنوان اربابان بنگاه اقتصادی خود توسط قوانین و مقررات آن تعیین شده و وقتی کار آنان دقیقاً با مزایای مادیشان مرتبط گردد، ابتکار، خرد و خلاقیت آنان می تواند به کار انداخته شود. این امر با تجربه ما در اصلاحات روستایی به طور روشن و قانع کننده ای اثبات شده است. در تجدید ساخت اقتصادی شهری، ضروری است که به مناسبات کارگران و کارکنان با مؤسسه تولیدیشان به درستی برخورد کرد تا آنان ارباب واقعی باشند و بتوانند در چنان ظرفیتی کار خود را بکنند. این امر علاقه عمیق آنان را به کارکرد و مؤثر بودن مؤسسه شان برمی انگیزد، بنابراین عملکرد آنان به طور دقیق با حیثیت اجتماعی و مزایای مادی آنان مرتبط می شود. بنگاه اقتصادی امروزین، رهبری یکپارچه و متمرکز و جهت گیری تولید و نظم اکید کار را طلب می کند. از آنجا که مؤسسه های ما مؤسسه های امروزین سوسیالیستی هستند، در اجرای چنان رهبری متمرکز و نظم اکید، ما باید قاطعانه حق مشارکت در مدیریت مردمی بنگاه اقتصادی را برای کارگران و کارکنان و نمایندگان منتخب آنان تأمین کنیم. تحت سوسیالیسم، وحدت بین اختیارات رهبر بنگاه و موقعیت کارگران به عنوان اربابان بنگاه و ابتکار و خلاقیت آنان وجود دارد. این وحدت پیش شرطی برای اجرای مناسب و مؤثر نیروی ابتکار آنهاست.

مناسبات صحیح بین دولت و بنگاه اقتصادی و بین یک بنگاه اقتصادی و کارگران و کارکنانش، اساس و ضرورت پایه ای تجدید ساخت اقتصاد ملی در کل و با تمرکز بر روی شهرهاست. انجام این ضرورت پایه ای ناگزیر اصلاح هر جنبه از تمامی ساخت اقتصادی را طلب می کند. این کار مستلزم یک رشته کلی از اصلاحات شامل برنامه ریزی، قیمت گذاری، مدیریت اقتصادی توسط نهادهای دولتی، و نظام کار و مزد است. نکته مرکزی بر این عقیده است که این اصلاحات باید قدم به قدم در هماهنگی با ارتباط



جدایی ناپذیر بین حلقه‌های مختلف اقتصاد ملی، بر طبق درجه آمادگی بودن شرایط عینی و ذهنی و به ترتیب درست اهمیت، فوریت و عملی بودن، و اینکه می‌باید اساساً در زمانی حدود ۵ سال به اتمام برسد، انجام گردد. برنامه‌های مشخص برای این هدف حداکثر تدوین خواهد شد.

۴. یک نظام برنامه‌ریزی را برپا کنیم که تحت آن قانون ارزش برای توسعه، یک اقتصاد کالایی سوسیالیستی آگاهانه به اجرا درآید.

جامعه سوسیالیستی یک اقتصاد برنامه‌ریزی شده بر پایه مالکیت عمومی وسایل تولید را دنبال می‌کند. بنابراین می‌تواند از هرج و مرج در تولید و بحرانهای ادواری ویژه جامعه سرمایه‌داری بهره‌بردار کند و تضمین نماید که تولید پیوسته نیازهای رشد یابنده مادی و فرهنگی مردم را برآورد. این یکی از شاخصهای اساسی برتری اقتصاد سوسیالیستی بر اقتصاد سرمایه‌داری است. ما از زمان بنیانگذاری جمهوری خلق، اقتصاد برنامه‌ریزی شده را دنبال کرده و منابع مالی، مادی و انسانی بسیاری را برای ساختمان اقتصادی سوسیالیستی در مقیاس بزرگ متمرکز کرده‌ایم، و موفقیت‌های عظیمی به نام ما ثبت شده است. در عین حال، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که نظام برنامه‌ریزی سوسیالیستی باید نظامی باشد که یکنواختی را با انعطاف‌پذیری ترکیب کند. ما باید سرزمین پهناور و جمعیت زیاد چین، مشکل بهبود موثر وضعیت بد حمل و نقل آن، امکانات ناکافی اطلاعاتی آن و توسعه اقتصادی و فرهنگی آشکارا ناموزون در میان مناطق مختلف آن را به حساب آوریم، و باید درک کنیم که به دلیل توسعه نیافتگی بسی تولید کالایی در چین در مرحله کنونی، لازم است تولید و مبادله کالای تسویق شود. با توجه به تمام اینها، برقراری این نظام برنامه‌ریزی هر چه سریع‌تر می‌شود، اگر شرایط واقعی کشور ما نادیده گرفته شود و اگر سعی کنیم تمام فعالیت‌های اقتصادی را در درون برنامه‌ها قرار دهیم و آنها را فقط توسط فرمانهای اجرایی و بدون توجه به اهرمهای اقتصادی و بازار اجرا کنیم، آنگاه به طور غیرقابل اجتنابی معایرتی بین راهنماییهای ذهنی برای برنامه‌ریزی و شرایط عینی وجود خواهد داشت، و برنامه‌ها به طور حدی از واقعیت دور خواهد ماند. پس از انقلاب اکتبر، لنین به هنگام طرح‌ریزی برنامه برقرار کردن روسیه این عقیده را بیان داشت که "یک برنامه کامل، به هم پیوسته و واقعی برای ما در زمان کنونی مساوی است با خیال‌پروری دیوانسالارانه" و اضافه کرد که: "دنبال آن نروید." گرچه شرایط امروزی چین با شرایط آن زمان روسیه که

✱ V.I. Lenin, Collected Work, Eng. ed., Progress Publishers, Moscow, 1966. Vol, 35, p. 475.



اقتصادش دچار مشکلات بسیار بود خیلی تفاوت دارد، تجربه، عملی ما اثبات کرده است که این عقیده  
لنین نه فقط برای روسیه آن زمان قابل اجرا بود، بلکه همچنین دارای اهمیتی پایدار است. ما باید  
واقع بین باشیم و بپذیریم که برای مدت زمانی به نسبت طولانی در آینده، برنامه‌های اقتصادی ملی ما  
در مجموع نقطه‌ای تواند احمالی و تغییرپذیر باشد و آنکه ما نمی‌توانیم غیر از اعمال نظارت موثر بر  
مسائل عمده، به وسیله ایجاد یک موازنه کلی در برنامه‌ریزی و از طریق مقررات با ابزار اقتصادی، و  
اعراض دادن به احطاف در مسائل جزئی کاری انجام دهیم. به این ترتیب، ما قادر خواهیم بود تناسب  
مقتضی بین شاخه‌های عمده اقتصادی و به‌طور کلی بر عدل متناسب و موزون اقتصاد ملی را تضمین کنیم.

در اصلاح نظام برنامه‌ریزی، لازم است، اول از همه، عقیده سنتی روبرو قرار دادن اقتصاد  
برنامه‌ریزی شده و اقتصاد کالایی را به دور اندازیم. ما باید به روشنی بفهمیم که اقتصاد برنامه‌ریزی شده  
سوسیالیستی یک اقتصاد کالایی برنامه‌ریزی شده سنتی بر مالکیت عمومی است، که در آن قانون ارزش  
باید آگاهانه تعقیب و به‌کار گرفته شود. توسعه کامل اقتصاد کالایی یک مرحله حتمی در رشد اقتصادی  
جامعه و پیش‌شرطی برای مدرنیزه کردن اقتصادی ماست. این تنها راه زندگی بخشیدن به اقتصاد ما و  
برانگیختن بنگاه‌های اقتصادی برای افزایش باردهشان، اجرای عملیات قابل‌تغییر و وفق دادن سریعشان  
با تقاضاهای پیچیده و در حال تغییر اجتماعی است. این هدف نمی‌تواند تنها با تکیه بر ابزار اجرایی  
و برنامه‌های اجباری به دست آید. در ضمن، ما باید همچنین درک کنیم که رشد وسیع اقتصاد کالایی  
سوسیالیستی هم ممکن است به برخی بی‌نظمیها در تولید منتهی شود، و باید ارشاد منظم و نظارت  
اداری از طریق برنامه‌ریزی وجود داشته باشد. این امر می‌تواند تحت شرایط سوسیالیستی حاصل شود.  
بنابراین، یک اقتصاد برنامه‌ریزی شده به هیچ عنوان اجرای قانون ارزش و رشد اقتصاد کالایی را مستثنی  
نمی‌کند. آنها در واقع یک وحدت را تشکیل می‌دهند. اشتباه خواهد بود اگر یکی را در مقابل دیگری  
قرار دهیم. فرق بین اقتصاد سوسیالیستی و سرمایه‌داری، تا آنجا که اقتصاد کالایی و قانون ارزش  
مطرح است، در این نیست که اینها هنوز عمل می‌کنند یا نه، بلکه در اختلاف در مالکیت، در این که  
آیا یک طبقه استعمارگر وجود دارد و این که آیا کارگران اربابان دولت هستند، در اختلاف در هدفهای  
تولید، در این که آیا قانون ارزش می‌تواند آگاهانه در سراسر جامعه و در زمینه‌های مختلف مناسبات  
کالایی آگاهانه اجرا شود، است. تحت شرایط سوسیالیستی ما نه نیروی کار و نه زمین، معادن، بانکها،  
خطوط راه‌آهن و همه دیگر بنگاهها و منابع تحت مالکیت دولت کالا نیستند.



در پرتو تجربه تاریخی و روش کار از زمان سومین جلسه عمومی پاردهمین کمیته مرکزی حزب، خصوصیات ویژه نظام برنامه‌ریزی ما می‌تواند به ترتیب زیر جمع‌بندی شود: یکم، اقتصاد ما در کل یک اقتصاد برنامه‌ریزی شده است، یعنی یک اقتصاد کالایی برنامه‌ریزی شده و نه یک اقتصاد بازاری که تماماً تابع مقررات بازار باشد. دوم، تولید و مبادله‌های که کاملاً تابع مقررات بازار باشد به‌طور عمده به‌برخی محصولات کشاورزی و چینی، کالاهای کوچک مورد استفاده روزمره و خدمات کاری در صنفهای خدماتی و تعمیر کاری محدود می‌شود. که تمامی آنها بخشی مکمل اها ضروری در اقتصاد ملی ایفا می‌کند. سوم، اقتصاد برنامه‌ریزی شده ما لزوماً به معنی تسلط برنامه‌ریزی اجباری نیست، هم برنامه‌ریزی اجباری و هم ارشادی شکل‌های مشخص آن است. چهارم، برنامه‌های ارشادی به‌طور عمده با استفاده از اهرم‌های اقتصادی اجرا می‌گردد. برنامه‌های اجباری باید انجام شود، اما حتی در این مورد هم قانون ارزش باید مراعات گردد. برای اصلاح نظام برنامه‌ریزی کنونی ما بر طبق نکته‌های بالا، لازم است قدم به قدم و به میزان مقتضی، از حوزه برنامه‌ریزی اجباری گامی داشته و برنامه‌ریزی ارشادی را بسط دهیم. برنامه‌ریزی اجباری در مورد کالاهای مهم که با اقتصاد ملی و معاش مردم ارتباط مستقیم دارند و باید توسط دولت تخصیص یافته و توزیع شوند، و نیز فعالیتهای عمده اقتصادی که بر شرایط کنونی اثر می‌گذارد، به کار گرفته خواهد شد. سایر کالاها و فعالیتهای اقتصادی که تعداد بسیار بیشتری هستند، چنان که در هر مورد اجبار می‌کند، باید با تحت برنامه‌ریزی ارشادی قرار گیرند و با منظور کامل به عملکرد بازار واگذار شوند. قانون توجه برنامه‌ریزی به برنامه‌ریزی میان مدت و دراز مدت مستقل خواهد شد، و برنامه‌های سالانه به‌طور مقتضی مختصر خواهد گردید. باید در شیوه‌های برنامه‌ریزی هم، اصلاحات متقابلی صورت گیرد. باید به اطلاعات اقتصادی و پیش‌بینی توجه کاملی شود تا سطح علمی برنامه‌ریزی ارتقا یابد.

##### ۵. یک نظام قیمت منطقی برپا کنیم و به اهرم‌های اقتصادی توجه کامل نماییم.

از آنجا که برای مدتی طولانی قانون ارزش نادیده گرفته شد و بنا به دیگر علت‌های مختلف تاریخی، در نظام قیمت‌گذاری کنونی ما سردرگمی بسیاری وجود دارد. قیمت بسیاری کالاها نه ارزش آنها و نه رابطه عرضه و تقاضا را منعکس نمی‌کند. این نظام غیرمنطقی قیمت‌ها باید اصلاح شود. در غیر این صورت، ارزیابی دقیق عملکرد نگاه‌های اقتصادی، تعیین گردش یکواخت کالا بین مناطق شهری و روستایی، توسعه پیشرفت‌های فنی و منطقی کردن ترکیب تولید و الگوهای مصرف ناممکن خواهد بود. این وضع به اتلاف عظیم کار اجتماعی منجر خواهد شد و به‌طور جدی مانع اجرای اصل توزیع بر طبق کار خواهد



گردید. با رشد قدرت تصمیم‌گیری نگاهها، قیمتگذاری به‌طور فزاینده‌ای در تنظیم تولید و کارکرد آنها مهم خواهد شد. بنابراین، برقراری یک نظام قیمتگذاری منطقی هرچه میرسد می‌شود. جنبه‌های مختلف اصلاحات در ساخت اقتصادی، از جمله برنامه‌ریزی و نظام دستمزدها، به میزان زیادی به اصلاح نظام قیمتها بستگی دارد. قیمتگذاری یک‌بازار بسیار موثرتر تنظیم امور است، و قیمت‌های منطقی شرطی مهم برای تضمین یک اقتصاد متحرک و در عین حال بدون هرج و مرج را تشکیل می‌دهد. بنابراین، اصلاح نظام قیمتها کلیدی برای اصلاح کل ساخت اقتصادی است.

نظام قیمتگذاری غیرمنطقی کونی ما به‌طور عمده در موارد زیر تجلی می‌یابد: اختلاف قیمت نامناسب برای یک کالای مفروض با کیفیت‌های مختلف، نسبت‌های غیرمنطقی بین قیمت‌های کالاهای مختلف، بویژه قیمت‌های نسبت پایین برای برخی محصولات معدنی و مواد خام و نیمه‌ساخته، و قیمت خرده‌فروشی محصولات عمده، کشاورزی و فعالیتهای حسی که بایست از قیمت خرید دولتی آنهاست. از حالا به بعد، ما باید بتدریج این وضعیت غیرمنطقی را اصلاح نماییم.

نظام غیرمنطقی قیمتگذاری دقیقاً با نظام غیرمنطقی نظارت بر قیمتها مرتبط است. در تعدیل دوباره قیمتها، ما باید نظام پیش از حد متمرکز نظارت بر قیمتها را اصلاح کنیم، و بتدریج دامنه قیمت‌های یکسان تعیین شده توسط دولت را کم کنیم و به‌طور مقتضی دامنه قیمت‌های متغیر در محدوده تعیین و قیمت‌های آزاد را گسترش دهیم. به‌این ترتیب قیمتها به‌طور نسبت سریعی تحت تأثیر تغییرات در باره کار و رابطه بین عرضه و تقاضای بازار قرار خواهد گرفت و نیارهای توسعه اقتصاد ملی را بهتر برآورده خواهد کرد.

از آنجا که اصلاح نظام قیمتها بر هر خانوار و اقتصاد ملی در کل اثر می‌گذارد، ما باید بینهایت محتاط باشیم. یک برنامه کاملاً بررسی شده و عملی مبتنی بر رشد تولید و قابلیت سرمایه‌گذاری دولتی و با این فرض که درآمد واقعی مردم بتدریج افزایش خواهد یافت، تنظیم کنیم، و سپس آن را به‌طریقی برنامه‌ریزی شده و منظم اجرا نماییم. اصول راهنمای اصلاحات عبارتند از: یکم، باید نسبت غیرمنطقی قیمتها را بر پایه تبادل ارزشهای مساوی و تغییرات در رابطه بین عرضه و تقاضا تعدیل کنیم، در هر مورد قیمتها را کاهش یا افزایش دهیم. دوم، وقتی قیمت برخی محصولات معدنی و مواد خام و نیمه‌ساخته افزایش یابد، مواسسه‌های مصرف‌کننده این مواد باید به‌میزان قابل توجهی مصرف خود را کم کنند تا



افزایش هزینه تولید ناشی از قیمت بالاتر چنان محصولاتی نتواند اساساً در درون خود موثره جبران گردد، و فقط بخش کوچکی از این افزایش را دولت از طریق کاهش مالیات و بخشودگیها، متحمل شود. این کار از افزایش قیمتهای بازار کالاهای مصرفی ساخته شده، ششج از آن جلوگیری خواهد کرد؛ سوم، در حل مسئله خرید محصولات کشاورزی و حبسی از طرف دولت به قیمتهایی بالاتر از قیمت فروش آنها و در تعدیل قیمت کالاهای مصرفی، باید اقدامهای مؤثری اتخاذ کنیم تا تضمین نماییم که درآمد واقعی ساکنان شهری و روستایی در نتیجه تعدیل قیمتها نزول نکند به عکس، با رشد تولید و بهبود شرایط اقتصادی، مردم کارگران و کارکنان باید بتدریج افزایش یابند. باید به طور وسیع در میان مردم تبلیغ شود که در شرایط تولید توسعه یافته و وفور هر چه بیشتر کالاهای، اصلاح نظام قیمت و تعدیل تناسب غیر منطقی قیمتهای مختلف که به استکار خود ما انجام می شود هرگز یک افزایش قیمت عمومی و مارپیچی را پیش نخواهد آورد. چنان اصلاحی نیازی مبرم برای توسعه دادن بیشتر تولید است و با منافع اساسی مصرف کنندگان مطابقت دارد. نظام بینگانههای اقتصادی باید از طریق کوشش برای بهبود مدیریت و کارکرد خود به نتایج اقتصادی بهتری نایل شود و هرگز نباید بکوشید تا افزایش قیمتها درآمد خود را بالا ببرد. سیاست گزاشی به سوی افزایش عمومی قیمتها ایجاد نکند، باز، سوسیالیستی را محتل نماید و به منافع دولت و مصرف کنندگان زیان برساند.

در حین اصلاح نظام قیمتها، ما باید نظام مالیاتی را بهبود بخشیم و نظامهای مالی و بانکی را اصلاح کنیم. هر چه اقتصاد بیشتر احیا می شود، باید به قواعد اقتصادی توجه بیشتری نماییم و بیشتر بکوشیم تا درک به موقعی از روندهای اقتصاد داشته باشیم تا از قیمتگذاری، مالیات بندی، اعتبار و سایر اهرمهای اقتصادی بهتر استفاده کنیم. این کار به تنظیم چنان رابطهای تناسبی عمدهای همچون رابطه بین مجموع عرضه و تقاضای اجتماعی و بین انباشت و مصرف، تنظیم جهت جریان منابع مالی، مادی و انسانی، تنظیم برنامه های صنعتی و توزیع نیروهای مولده؛ تنظیم عرضه و تقاضای بازار، تنظیم مبادله اقتصاد خارجی و غیره کمک خواهد کرد. ما به عادت استفاده از ابزار اداری برای اداره کار اقتصاد دچار شده ایم و برای مدتی طولانی از استفاده از اهرمهای اقتصادی برای تنظیم، غافل مانده ایم. اداره های اقتصادی در سطوح مختلف، سوبزه اداره های مسئول مدیریت جامع اقتصادی، باید یادگیری استفاده از اهرمهای اقتصادی را وظیفه مهمی تلقی کنند و این جنبه را مرکز توجه رهبری ما در کار اقتصاد نمایند.



۶. وظایف دولت را از وظایف بنگاه اقتصادی جدا کنیم تا ارگانهای دولتی بتوانند بهطور

مقتضی بهوظیفه مدیریت اقتصاد عمل کنند.

پس از آن که کارگران و تمام مردم قدرت دولتی را در دست میگیرند، هدایت و سازماندهی ساختار اقتصادی یک وظیفه اساسی ارگانهای دولتی می شود. در طی ۳۵ سال گذشته و یا بیشتر و از زمان سیاستگذاری پس جدید، ارگانهای دولتی ما در مجموع نقشی مهم در اجرای این وظیفه ایفا کرده اند. اما این که چگونه سبادهای دولتی، بهره ادارهها می توانند ساختار اقتصادی را بهتر هدایت و سازماندهی کند تا بازارهای اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی برآورده شود، هنوز سوآلی است که راه حل موثرتری را می طلبد. برای مدتی طولانی وظیفه های دولت از وظیفه های بنگاههای اقتصادی تفکیک شده بود، و دولت های مرکزی و محلی مسئولیت بسیاری امور را که در واقع مربوط به آنها نبود به عهده می گرفتند و درسی سال آنها را یاد می کردند به نحوی انجام نمی دادند. این، به علاوه سدهای موجود بین ادارهها یا مناطق مختلف و روش محاددهای بی پایان، مشکلات اداره کردن بنگاههای اقتصادی را افزایش می داد. اگر این وضعیت امروز تغییر نکند، اشتقاق بنگاهها و سایر واحدهای پایهای نمی تواند برانگیخته شود، همکاری، اتحاد و رقابت بین بنگاهها نمی تواند گسترش یابد و یک بازار یکپارچه موسسالیستی رشد نمی کند. علاوه بر آن، نقش که نهادهای دولتی باید در مدیریت اقتصاد بازی کنند بهطور جدی تضعیف می شود. بنابراین نیاز فوری وجود دارد که اصلاحات منطبق با اصل جدا ساختن وظیفه های دولت و بنگاههای اقتصادی، موثر ساختن دستگاه اداری و برقرار نمودن تمرکززدایی به جریان آید تا بنگاهها و اقتصاد ملی به عنوان یک کل قدرت بگیرند.

تجربه عملی در طی سالهایشان می دهد که موارد زیر وظیفه های اصلی نهادهای دولتی در مدیریت اقتصاد است: آنها باید استراتژی، برنامه ها، اصول و سیاستهای توسعه اقتصادی و اجتماعی را تنظیم کنند؛ نقشه هایی برای بهره برداری از منابع طبیعی، تغییر و تبدیل از نظر تکنولوژی و تکامل منابع منوری طرح ریزی نمایند؛ برنامه های توسعه مکانهای مختلف، ادارهها یا بنگاهها و رابطه اقتصادی بین آنها را هماهنگ کنند؛ ترتیب ساختار برنامه های کلید، بویژه در بخش سرو، حمل و نقل مواد خام و نیمه ساخته را بدهند؛ اصلاحات اقتصادی را جمع آوری و منتشر کنند؛ با بکارگرفتن ابزار اقتصادی، تنظیم امور را فراگیرند؛ مقررات و احکام اقتصادی را طرح و بر اجرای آنها نظارت و سرپرستی کنند؛ در محدوده مجاز شعرده شده کادرها را منصوب و برکنار نمایند؛ امور مربوط به تبادل و همکاری اقتصادی و



تکنولوژیکی خارجی را اداره کنند؛ و غیره. اجرای این وظیفه‌ها، تلاشهای عظیمی از جانب دولت در سطوح مختلف را ایجاب می‌نماید. در گذشته برخی از این وظیفه‌ها به حویی و بقیه اصلاً اجرا نمی‌شد. تا آنجا که به رابطه بین دولت و نگاههای اقتصادی مربوط است، از این به بعد اداره‌های دولتی در سطوح مختلف اصولاً نگاههای اقتصادی را به‌طور مستقیم اداره یا بهره‌برداری نخواهند کرد. در مورد تعداد اندک اداره‌های اقتصادی دولتی که بهره‌برداری و مدیریت مستقیم نگاههای اقتصادی از طرف دولت به آنها سپرده شده است، آنها هم باید از طریق اداره نمودن ساده‌تر و متمرکززدایی راجع به مناسبات خود با نگاههای زیر نظرشان به‌طور صحیح اقدام کنند تا آن که طرفت نگاهها و سایر واحدهای پایهای برای مدیریت مستقل بالا رود و از ریاستهایی که ممکن است از متمرکزیت بیش از حد ناشی شود بهره‌بردار کنند. شرکتهای ملی و محلی جمعهای اقتصادی هستند که برای توسعه اقتصادی شهر و صنعت متقابل نگاههای اقتصادی مربوطه تشکیل شده‌اند. آنها باید نگاه اقتصادی باشند و نه ارگانهای اجرایی، و نباید روستهای قدیمی را دنبال کنند، بلکه باید به شیوه‌های امروزی مدیریت علمی دست یابند.

پس از این که وظیفه‌های دولت و نگاههای اقتصادی از هم تفکیک شود، نقش متمرکز شهرها باید به‌طور کامل بکار گرفته شود و بتدریج مناطق اقتصادی باز و متصل بهم با آنها به شهرها، بویژه شهرهای بزرگ و متوسط، تشکیل گردد. در این اصلاحات لازم است که توجه تمام رهنمای رهبری‌کننده شهر به این نیاز جلب شود که فرماندارها وظیفه‌های خود را از وظیفه‌های نگاههای اقتصادی تفکیک کنند و به دستگاه اداری ساده‌تر و غیرمتمرکز دست یابند، و روش گذشته یعنی اساساً به ابزار اجرایی تکیه کردن را تکرار نکنند تا از ایجاد سدهای جدید بین اداره‌ها یا مناطق بهره‌بردار نباشند. فرماندارها باید کار خود را بر برنامه‌ریزی، ساختمان و مدیریت شهری؛ ساختن تأسیسات عمومی؛ اجرای اصلاحات جامع محیط زیست؛ هدایت و ارتقاء همکاری تخصصی نگاهها، تجدید سازمان، تجمع و تغییر و تبدیل فنی و امروزی کردن مدیریت و بهره‌برداری آنها؛ هدایت و تقویت گردش منطقی مواد و کالاها؛ بهبود بخشیدن به کار فرهنگی، آموزشی، بهداشت عمومی و رفاه اجتماعی و خدمات مختلف؛ ترغیب به ساختن تعدنی با سطح بالای فرهنگی و مرامی و پرورش دادن رفتار اجتماعی بهتر؛ و حفظ نظم عمومی متمرکز نمایند. علاوه بر آن، آنها همچنین باید برنامه‌های رضایتبخش میان مدت و دراز مدت برای توسعه اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر نیازهای عمومی توسعه اقتصادی ملی و با ارتباط محلی طرح‌ریزی کنند.

رابطه بین نگاههای اقتصادی سوسیالیستی قبل از هر چیز همکاری و پشتیبانی متقابل است



اما این امر به هیچ عنوان رقابت را حذف نمی‌کند. برای مدتی طولانی، مردم رقابت را ویژه سرمایه‌داری فرض می‌کردند، درحقیقت، جایی که تولید کالایی وجود دارد، رقابت هم باید وجود داشته باشد. نکته این است که هدف، ماهیت، باقاعده و ابزار رقابت در نظامهای اجتماعی مختلف فرق می‌کند. رقابت بین نظامهای اقتصادی سوسیالیستی به طور اساسی با رقابت تحت نظام سرمایه‌داری، که در آن قانون جنگل حکمفرماست، تفاوت دارد. برپایه مالکیت عمومی و تبعیت از نظارت قوانین و برنامه‌ریزی دولتی و با هدف خدمت کردن به امروزین و سوسیالیستی، بینگانه‌های زیر آرمایش قضاوت مستقیم مصرف‌کنندگان در بازار قرار می‌گیرند بنابراین فقط "بهترین" می‌تواند به کار ادامه دهد. این امر به تکلیف محاصره و احصار معانت‌کننده از رشد تولید، آشکار ساختن سریع نقایص بینگانه‌های اقتصادی و وادار نمودن آنان به بهبود بخشیدن به تکنولوژی، کارکرد (= فونکسیون) و مدیریت کمک خواهد کرد. این کار اقتصاد را در کل به حرکت در خواهد آورد و منفعت سوسیالیسم خواهد بود. در مورد برخی گرایشهای نامطلوب و اعمال غیرقانونی که ممکن است در جریان رقابت پدیدار شود، ارگانهای هدایت‌کننده، مربوطه در سطوح مختلف یا با حفظ کامل خودسرانی آموزش و نظارت را تقویت نمایند و به چنان مسایلی با جدیت واقعی برخورد نمایند.

باید تعداد بیشتر و بیشتری میرانه‌های هدایت‌کننده، فعالیتهای و مساعیات اقتصادی در تجدید ساخت اقتصاد و توسعه اقتصادی به شکل قانون تدوین گردد. هیئتهای قانونگذاری دولتی باید قوانین اقتصادی را سریعتر ارائه دهند. دادگاهها باید برای محاکمه موارد اقتصادی تلاش بیشتری کنند، دادستانها باید کار خود را در برخورد کردن با جنایات اقتصادی تقویت نمایند، و اداره‌های دادگستری باید برای ساختمان اقتصادی خدمات حقوقی فعال ارائه دهند.

جدایی وظیفه‌های دولت و بینگانه‌های اقتصادی و همچنین دستگاه اجرایی ساده‌تر و غیرمتمرکز تغییر و تبدیل عمیق روبنای سوسیالیستی را تشکیل می‌دهد. وقتی ساخت اقتصادی تغییر می‌کند، سازمان و نحوه تفکر و کار هم باید تغییر نماید، ما باید بدون تردید شیوه کار اداره‌های دولتی را در تطابق با اصول خدمت به مردم و سازمان دادن، یکپارچه کردن، و کارآیی و ارتقاء شایستگی مأموران آنها تغییر دهیم. ما باید به شیوه قدیمی وابسته نمودن کامل بینگانه‌ها و واحدها به نهادهای رهبری‌کننده، به عوض خدمت به بینگانه‌های اقتصادی و سایر واحدهای پایه‌ای، خاتمه دهیم، و چنان ناخوشیهای



دیوانسالارانه همچون تداخل سازمانی، کارکنان بیش از حد، تعیین حدود گنگ و محاذله‌های بی‌پایان را از میان برداریم. به این ترتیب نهادهای رهبری‌کننده در سطوح مختلف قادر خواهند بود کار خود را به سمت ارتقاء تولید، خدمت‌گویی به نگاههای اقتصادی دیگر واحدهای پایه‌ای، و کمک کردن به ساختن یک کشور پر قدرت و ترقی‌کننده جهت دهند و پیشرفت روزافزون و شادگامی را برای مردم بسازند.

۷. اشکال مختلف نظام مسئولیت اقتصادی را برپا کنیم و همیارانه اصل توزیع برپایه کار را اجرا

نماییم.

اصلاحات شهری آزمایشی در چند سال گذشته به‌طور مفصل بیان داده‌اند که تجربه ابتدایی نظام مسئولیت قراردادی در مناطق روستایی، در شهرها هم قابل پیاده‌کردن است. نگاههای اقتصادی باید با عبارتهای صریح و روشن شرایط هر شغل و وظیفه‌های هر کارگر و کارمند را مشخص کنند و شکلهای مختلف نظام مسئولیت اقتصادی، و به‌عنوان محتوای اصلی آن مشاغل قراردادی را برقرار نمایند تا نگاههای اقتصادی شهری را تقویت کنند. احسان مسئولیت کارگران و کارسندان را بالا برند و نیروی ابتکار، اشتیاق و خلاقیت آنان را به‌طور کامل به‌کار گیرند. اصول اساسی این نظام مسئولیت ترکیبی از مسئولیت، اختیار و صنعت به‌صورت سنج دولت، نگاههای اشتراکی و افراد و مرتبط ساختن درآمد کارگران و کارکنان با کارکرد فعلی آنهاست. در به‌کار گرفتن تجربه‌های روستایی در مناطق شهری، باید ویژگیهای نگاههای اقتصادی شهری را در نظر داشته باشیم. اجرای مکانیکی اقدامهای مشخص مناطق روستایی در شهر نه عملی و نه لازم است. همان‌طور که ماهیت کارها و اداره و شرایط تولید واحدهای تولیدی با یکدیگر فرق می‌کند، واحدهای تولید شهری نمی‌توانند یک نمونه واحد نظام مسئولیت را دنبال کنند. رفقای ما، بویژه رفقای رهبری‌کننده نگاههای اقتصادی، باید همیشه از واقعیت حرکت کنند و در جریان عمل بتدریج شکلهای خاص نظام مسئولیت متناسب با شرایط مشخص خود را طرح‌ریزی نمایند. آنگاه نظام مسئولیت قراردادی در شهرها ریشه خواهد گرفت، شکوفا خواهد شد و میوه خواهد داد. نگاههای اقتصادی امروزی، تقسیم کار دقیق، درجه بالای مداومت در تولید، ضرورت‌های فنی خاص و مناسبات همکاری پیچیده‌ای دارند. بنابراین لازم است یک نظام یکپارچه، مقتدر و بسیار کارآمد برپا شود تا تولید را هدایت و فعالیتهای مدیریت را اداره نماید. این امر نظامی را می‌طلبد که در آن مدیر یا رئیس تمام مسئولیت را به‌عهده بگیرد. سازمانهای حزبی در موسسه‌های اقتصادی باید فعالانه



مدیران را در اعمال اختیارات خود در جهت دادن مکان به تولید و کارکرد تأیید و پشتیبانی نمایند. اجرای اصول و سیاستهای حزب و دولت را تضمین و نظارت کنند. فعالیت مرامی و سازمانی حزب در نگاههای اقتصادی را تقویت نمایند. رهبری خود در اتحادیههای کارگری و سازمانهای اتحادیه جوانان کمونیست را بهبود بخشند و در میان کارگران و کارکنان کار موثر مرامی و سیاسی انجام دهند. در حالی که مدیر مسئولیت کامل را به عهده دارد، ما باید نظام کنگره‌های کارگران و کارکنان و سایر نظامهای سرب مردمی را بهبود بخشیم. معجزه و معنی سازمانهای اتحادیه کارگران و نمایندگان کارگران و کارکنان را در بررسی و بحث تصمیمهای مهمی که بنیاد توسط نگاههای اقتصادی گرفته شود، نظارت بر رهبری اجرایی و حمایت از حقوق و منافع مشروع و قانونی کارگران و کارکنان به کار گیریم. بوقعت آنها توسط مذهب نگاه اقتصادی سوسیالیستی تعیین می‌شود و نباید به هیچ طریق نادیده گرفته یا تضعیف شود.

با جایگزینی عمومی تحویل سود توسط مالیاتها و برپایی گسترده شکلهای مختلف مسئولیت اقتصادی نگاهها، اصل سوسیالیستی توزیع بر طبق کار به طور کاملتر اجرا خواهد گردید. قدم مهمی که تا به حال در این مورد برداشته شده است این است که نگاههای اقتصادی بر طبق نتیجه‌های کارکرد خود در مورد میزان پاداش برای کارگران و کارکنان خود تصمیم می‌گیرند. در حالی که دولت فقط از پاداشهای بالاتر از معمول مقدار مناسبی مالیات می‌گیرد. در آینده، اقدامات مقتضی انجام خواهد شد تا مردها و پاداشها با کارکرد بهبود یافته نگاه اقتصادی بهتر مرتبط شود. در نگاههای اقتصادی، اختلاف بین برد برای مشاغل و کارهای مختلف باید بیشتر شود. تا آن که اصل پاداش دادن به افراد خوب و بیشترکاردار و مجازات افراد بد و تنبل و نیز برای کار بیشتر مزد بیشتر و برای کار کمتر مزد کمتر به طور کامل اعمال گردد و همچنین اختلاف بین کار فکری و بدی، پیچیده و ساده، با مهارت و بدون مهارت، و سنگین و سبک را نیز به طور کامل منعکس کند. بویژه لازم است پاداشهای کمونی برای کار فکری را که به نسبت پایین است تغییر داد. ما همچنین باید نظام دستمزدها در نهادهای دولتی، و سازمانهای عمومی را در تطابق با اصل مرتبط ساختن دستمزدها با مسئولیتها و دستاوردها اصلاح کنیم. در حالی که اصلاح نظام دستمزدها در نگاههای اقتصادی، نهادهای دولتی و سازمانهای عمومی در جریان است، اصلاح نظام کاری تصریح خواهد شد.

برای مدت زمانی طولانی سوسیالیسمی درباره توزیع کالاهای مصرفی در سوسیالیسم وجود داشته

کتابخانه علمی  
احمد کتبی



است، گویی که سوسیالیسم به معنی تساوی طلبی است. اگر برخی افراد جامعه از طریق کار خود مزد بیشتری دریافت می‌کردند، که به فاصله زیاد بین درآمدها منجر می‌شد، این وضع قطبی شدن و انحراف از سوسیالیسم تلقی می‌گردید. این تفکر تساوی طلبانه به کلی با نظر علمی، مارکستی سوسیالیسم سازگار است. تاریخ نشان داده است که فکر تساوی طلبانه مانعی جدی در اجرای اصل توزیع بر طبق کار است و اگر بر آن نظارت نشود، ناگزیر نیروهای مولده بتدریج تضعیف خواهند شد. طبیعتاً، یک جامعه سوسیالیستی باید برای افراد جامعه بهبود تدریجی در زندگی مادی و فرهنگی و ترقی عمومی آنان را تضمین نماید. اما، ترقی عمومی نمی‌تواند به معنی تساوی طلبی مطلق، یعنی آن که تمام افراد جامعه به طور همزمان و بایک سرعت و وضعیتان بهتر می‌شود، باشد و هرگز به این معنی نخواهد بود. اگر ترقی عمومی به عنوان تساوی طلبی مطلق و ترقی همزمان فهمیده شود، نه فقط این کار ناممکن خواهد بود، بلکه چنان تفکری، به فقر عمومی منجر می‌شود. فقط وقتی به برخی مناطق، نگاههای اقتصادی و افراد اجازه داده شود و تشویق شوند که از طریق کار جدی وضعیتان اول از همه بهتر شده است که جادیه و تأثیری قوی برای اکثریت مردم می‌تواند وجود داشته باشد. مردم بیشتر و بیشتری پراکنخته خواهند شد تا گروه گروه راه ترقی را در پیش گیرند. در همین حال، ما باید برای پیران، ضعیفان، مریضان، ناتوانها و برای بیوه‌ها، یتیمها و پیران بدون میرند که نمی‌توانند از خود نگهداری کنند، کمک اجتماعی فراهم نماییم. ما باید به آنها که هنوز در زندگی وضعیتان خوب نشده است کمک کنیم و سیاستهای ویژه و توجیحی نسبت به برخی مناطق پایگاهی انقلابی قدیمی و اقلیت‌های ملی، مناطق دورافتاده و سایر مناطق که اقتصاد هنوز خیلی عقب مانده است اتخاذ نماییم و کمکهای مادی و فنی لازم را به آنها بکنیم. اختلاف ناشی از ترقی برخی مردم قبل از دیگران، اختلافی در سرعت است، در حالی که همه افراد جامعه در راه ترقی عمومی به پیش می‌روند. این وضع مسلماً "قطبی شدن نیست، چرا که قطبی شدن به معنی آن است که مثنی افراد استثنایگر شوند در حالی که اکثریت وسیع در فقر باشند. سیاست تشویق برخی مردم که زودتر وضعیتان بهتر شود، منطبق بر قانون توسعه سوسیالیستی و تنها راه ترقی برای تمام جامعه است.

ما هرگز نباید سنت پسنده "سختکوشی و ساختن کشور از طریق پشتکار و صرفه جویی که در طی دوران طولانی انقلاب و ساختن کشور به وجود آمد را کنار بگذاریم. در دوران تاریخی جدید این نسبت به طور عمده به معنی روحیه "سختکوشی و مقاومت در برابر تمام مشکلات در راه فداکاری برای میهن و مردم،



روش صرفه جویی اکتد در تولید و ساختمان، مخالفت با هر عملی که مواد و سرمایه دولت را بر باد می دهد، و اجتناب از تصمیمهای سیاستگذاری نادرست که به اتلاف منجر می شود، است. این امر نباید به عنوان نادیده گرفتن رشد لازم در سطح مصرف مردم تعبیر شود. بر طبق اصول انجمنی مارکسیسم، تولید نقطه شروع و عامل سلط در تمام فعالیتهای اقتصادی و تعیین کننده مصرف است. اما مصرف نیز تعیین کننده تولید است. به این ترتیب که رشد مصرف به ایجاد تقاضای اجتماعی جدید حاکمیت بر قدرتی می دهد. بازارهای وسیعی را باز می کند و تولید را تشویق می نماید. ما باید بتدریج افزایش قابل توجهی در مرد کارگران و کارکنان و در سطح مصرف مردم ایجاد نماییم. این امر باید بر افزایش تولید، نتایج اقتصادی بهتر، افزایش بیوسته و یکپارختی در درآمد دولت و تناسبی صحیح بین انباشت و مصرف مبتنی باشد. نادرست است که تقاضاهای مصرفی برای ظرفیت کنونی تولید مطرح نماییم. اما همچنین نادرست است مصرف را به طور مقتضی افزایش ندهیم و همچنان در ظرفیت کنونی تولید محدود نگاهداریم.

۸. برای گسترش شکلهای گوناگون اقتصادی کارکنیم و به سبب تبادل اقتصادی و فنی خارجی و

داخلی ادامه دهیم.

اگر قرار است ما به رشد سریع در تمام زمینههای تولید و ساختمان نایل شویم و با سرعتی نسبتاً زیاد کشور خود را بیرومند و شکوفا سازیم و مردم خود را ثروتمند و شادمان نماییم، باید تمام عوامل مثبت را بسیج کنیم. شرکت جدایی ناپذیر آنها و برای بهره گیری دولتی، نیروی ابتکار دولت اشتراکیها (کلکتیو) و افراد باید همگی تشویق شوند. ما باید برای گسترش اشکال متنوع اقتصادی و شیوههای مختلف مدیریت کارکنیم. و باید فعالانه همکاری اقتصادی خارجی و تبادل فنی را بر مبنای استقلال، اتکا به خود، برابری و نفع متقابل، و با ست پاک متقابل بسط دهیم.

بنگاههای اقتصادی تحت مالکیت تمام مردم در اقتصاد چین نیرویی پیشرو را تشکیل می دهند. و در تضمین جهت گیری سوسیالیستی و رشد بیوسته و یکپارختی کل اقتصاد ملی ما تعیین کننده هستند. اما تحکیم و توسعه آنها نباید به معنی محدود کردن و کنار نهادن سایر شکلهای اقتصادی و دیگر شیوههای مدیریت باشد. اقتصاد اشتراکی (کلکتیو) جزء مهمی از اقتصاد سوسیالیستی است. و ما می توانیم در اداره امور، سسات در بسیاری از حوزههای تولید و ساختمان دست اشتراکیها را باز بگذاریم. اقتصاد فردی که امروزه در چین یافت می شود به مالکیت عمومی سوسیالیستی متصل است و با اقتصاد فردی





مرتبط با مالکیت خصوصی سرمایه‌داری فرق دارد. این بخش نقشی غیرقابل جایگزینی در بسط تولید، برآوردن نیازهای روزمره مردم و ایجاد اشتغال بازی می‌کند. این بخش یک ضمیمه لازم و ارزشمند اقتصاد سوسیالیستی و تابع آن است. در حال حاضر، ما باید بکوشیم تا مواج سر راه اقتصاد اشتراکی و فردی را در شهرها و شهرکهای روستایی از میان برداریم و برای رشد آنها شرایط را ایجاد کنیم و به آنها پشتیبانی قانونی بدهیم. ما باید اقتصاد فردی را بویژه در آن زمینه‌های اقتصادی که به‌طور عمده بر خدمات کاری مبتنی است و در جایی که فعالیت نامتمرکز مناسب است ارتقا دهیم. در عین حال، باید، بر پایه مشارکت داوطلبانه و نفع متقابل، شکل‌های گوناگون و تطبیق‌پذیر مدیریت تعاونی و تجمع اقتصادی در بخش‌های دولتی، اشتراکی و فردی اقتصاد را، به‌طور وسیع تشویق کنیم. برخی نگاه‌های اقتصادی کوچک دولتی می‌توانند به اشتراک‌ها یا افراد اجاره داده شوند، یا بر مبنای یک قرارداد توسط آنان اداره گردند. این سیاست درازمدت ما و نیاز توسعه سوسیالیستی است که شکل‌های متنوع اقتصادی و شیوه‌های گوناگون فعالیت را به‌طور همزمان ارتقا دهیم. این کار، بازگشت به اقتصاد دموکراتیک نو دوره ابتدای جمهوری خلق، که مالکیت عمومی سوسیالیستی هنوز در شهر و روستا مسلط نبود، نیست. سیاست جدید به هیچ وجه نظام اقتصاد سوسیالیستی چین را تحلیل نمی‌برد بلکه به تحکیم و توسعه آن کمک خواهد کرد.

مارکس و انگلس مدتها پیش در بیانیه حزب کمونیست خاطر نشان کردند که با بهره‌برداری از بازار جهانی در نتیجه رشد سرمایه‌داری، انزوا و خودکفایی محلی و ملی پیشین جای خود را به درهم آمیزی بین‌ملتها در هر جهت داده، و تولید و مصرف در هر کشور از نظر حصلت جهانی شده است. در عصر ما نیروهای مولده از جمله علوم و تکنولوژی هر چه سریعتر توسعه می‌یابند. گرچه مناسبات جهانی پیچیده و تابع تناقضات است، روابط اقتصادی و فنی بین‌المللی، به‌طور کلی، بسیار نزدیک است و انزوای ملی نمی‌تواند به امروزین (= مدرنیزه) شدن منتهی شود. از زمان سومین جلسه عمومی یازدهمین کمیته مرکزی، ما باز کردن درها به جهان خارج را به عنوان یک سیاست اساسی و درازمدت دولتی و یک اقدام راهبردی (= استراتژیک) برای تسریع امروزین کردن سوسیالیستی برگزیده ایم. تاکنون عمل به این سیاست نتیجه برجسته‌ای به دست داده است. ما باید به تعقیب سیاست‌های انعطاف‌پذیر ادامه دهیم، و ساختار بازرگانی خارجی خود را در توافق با اصل برانگیختن اشتیاق در تمامی سطوح و ایجاد برخوردی یکسان در معاملات خارجی اصلاح نماییم. ما برای بسط مبادلات اقتصادی فنی و همکاری با دیگر کشورها کار خواهیم کرد.



برای موفقیت مناطق ویژه اقتصادی خواهیم کوشید و شهرهای ساحلی را بیشتر به روی دنیای خارج خواهیم گشود. استفاده از سرمایه خارجی و جلب سرمایه داران خارجی برای سرمایه گذاری مشترک، مدیریت تعاونی یا سرمایه گذاری انحصاری در بینگاههای اقتصادی هم مکمل لازم و سودمند اقتصاد سوسیالیستی چین است. ما باید از منابع داخلی و خارجی و بازارهای داخلی و خارجی بهترین استفاده را بکنیم، و بیاموزیم که هم ساختن داخل را سازمان دهیم و هم مناسبات اقتصادی خارجی را توسعه بخشیم.

در حالی که درها را به روی دنیای خارج باز می کنیم، درها را حتی بیشتر در بین مناطق مختلف خود چین باز خواهیم کرد. ما باید حصارها را خرد کنیم و در مناسبات بین مناطق بیشتر و کمتر توسعه یافته، مناطق ساحلی و مناطق داخلی و مرزی، شهرها و روستاها، و بین تمامی حرفه ها و واحدها درها را باز نعیم. ما باید در مطابقت با اصل بهترین بهره برداری از شرایط مساعد و اجتناب از تأثیرهای شرایط غیرمساعد، برای پرورش تنوع اشکال، عرضه، نفع متقابل و نیل به پیشرفت عمومی عمل کنیم، و بکوشیم مناسبات اقتصادی بین نگاهها و مناطق را توسعه دهیم، مبادلات مناسب سرمایه ها، تجهیزات، تکنولوژی و کارکنان واحد شرایط را تشویق کنیم. اشکال گوناگون همکاری اقتصادی و فنی را ارائه دهیم و بینگاههای اقتصادی مشترک را برقرار داریم. این امر عقلایی کردن سازمان اقتصادی و توسعه جغرافیایی بینگاههای اقتصادی ما را تسریع خواهد کرد و با امروزین شدن شتاب خواهد داد.

۹. نسل جدیدی از کادرها را ارتقا دهیم و گروه عظیم مدیران اقتصاد سوسیالیستی را به وجود

آوریم.

اصلاح ساخت اقتصادی و توسعه اقتصادی ما نیاز بسیار شدیدی به یک گروه بزرگ کارکنان اجرایی و اداره کننده دارد، و بویژه مدیرانی، که هم به تکنولوژی و اقتصاد امروزی وارد و هم ملو از روحیه های خلاق و مبتکر باشند و بتوانند در هر کاری که می کنند شرایط جدیدی به وجود آورند. اکنون مسئله این است که گروه مدیران ما بسیار پایینتر از نیازهای بالاست. ما تعداد زیادی از رفقای کارآموده در این گروه داریم که، در دوران طولانی مبارزه سخت، کمکهای بزرگی به ساختمان اقتصاد سوسیالیستی، نموده اند. سبک کار صحیح، توانایی مدیریت و استواری آنان در رعایت مقررات زندگی درون حزبی تأثیر آموزنده ای بر بسیاری کادرهای جوان و میانسال داشت. اما سن آنان بالا می رود، و ما دیگر نمی توانیم از آنان بخواهیم که در مقامهای دشوار رهبری کننده به کار ادامه دهند. وظیفه مبرم کنونی



ما ارتقا بهیچگاه هزاران و هزاران مدیر جوان و میانسال و برداشتن قدمهایی برای تربیت آنهاست .  
تعداد زیادی از افراد با استعداد ، بویژه در جریان تحکیم حزب و اصلاح ساخت اقتصادی ، در  
زمینه ساختان اقتصاد پیدا شده اند . کمیته های حزبی در تمام سطوح باید زحمات کشف و ارزیابی آنان  
را بکشد و نباید به عقاید و آیینهای کهنه مقید باشند . آنان شاید عمیقاً جستجو کنند و طالب کمال باشند  
و باید در برابر تأثیر گروه گرایی و غیبت مواظب باشند . وقتی ما با این مشغول عمل کنیم . می توانیم  
تعداد زیادی کادرهای عالی را پیدا نماییم . البته کادرهای جوان و میانسال فاقد تجربه رهبری کردن  
هستند . اما آنها می توانند از طریق آمادگی شدن در کار عملی ، تجربه کسب کنند و استخراج این کار را  
خواهند کرد . ما نباید تحت هیچ شرایطی از فقدان تجربه به عنوان بهانه ای برای عقب نگاه داشتن  
کادرهای جوان استفاده کنیم . ما باید در برخوردمان با مسئله تجربه ، تحلیل گرا باشیم . رفقای ما در  
جریان انقلاب و ساختان کشور تجربه گرانمایی ، هم مثبت و هم منفی ، اندوختند . این بسیار با ارزش  
است . با وجود این ، به طور کلی ، تمام کادرهای ما ، پیر ، میانسال یا جوان ، با وظیفه های کاملاً جدیدی  
در دوران تاریخی جدید روبرو هستند و همگی فاقد دانش و تجربه نوین برای امروز می باشند .  
تمام آنان باید تواناییهای خود را دوباره ارزیابی نمایند و برای آموختن تلاشهای جدیدی کنند .  
چسیدن به آنچه غیرمتداول است و راضی ماندن از تجربه ای که دیگر قابل اجرا نیست اشتباه خواهد  
بود .

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کمیته مرکزی حزب کامل نمودن تجدید سازمان رهبری بنگاههای اقتصادی ، بویژه بنگاههای  
کلیدی ، را قبل از پایان سال ۱۹۸۵ لازم می داند . بعلاوه برای تربیت نسبتاً سریع تعداد زیادی  
رؤسا (مدیران) که بتوانند با موفقیت تولید و فعالیت بنگاه را سازماندهی و هدایت نمایند ، سرمایه دسانی  
که بتوانند مدیریت فنی را تقویت و پیشرفت فنی را ارتقا دهند ، مدیران اقتصادی رده بالا که بتوانند  
عملیات اقتصاد تجاری را برای نتایج اقتصادی بهتر بهبود بخشند ، سرحداتارانی که بتوانند دقیقاً  
نظم مالی و اقتصادی را تقویت نمایند ، بودجه دقیق تنظیم کنند و از منابع جدید درآمد بهره برداری  
نمایند ، و مدیران حزبی که بتوانند در جهتگیری درست سیاسی باقی بمانند و کارگران و کارکنان  
موسسه ها را متحد کنند ، باید طرحهایی تدوین و اقدامهای موثرتری انجام شود . این روش چگونگی ایجاد یک  
گروه عظیم کادرهای اداره کننده و فنی برای اقتصاد سوسیالیستی است . این گروه باید شامل کارکنان واجد  
شرایط در تمام حرفه ها و مشاغل برای کل زنجیر مدیریت بنگاه اقتصادی باشد .



کمیته مرکزی در بسیاری فرصتها اشاره کرده است که در تلاش ما برای امروزین کردن سوسیالیستی باید به دانش و افراد با استعداد احترام بگذاریم. ما باید با تمام معایب و روئیهایی که علم و تکنولوژی پرورش منابع فکری و نقش روشنفکران را تحقیر می نمایند مبارزه کنیم. ما باید برای رسیدگی به موارد تبعیض علیه روشنفکران که هنوز در بسیار محلها وجود دارد و بالا بردن موقعیت اجتماعی روشنفکران و بهبود شرایط کار و زیست آنان اقدام قاطع نماییم. تمام اصلاحات ما باید به پیشرفت در علوم و فنون، ابتکار بیشتر محلها، ادارهها، واحدها و افراد در استفاده کردن موثر از منابع فکری منتهی شود و تعداد بسیار زیاد جوانان ما و نیز کارگران، دهقانان و روشنفکران را قادر سازد تا سطح فرهنگی و فنی خود را به سرعت بالا ببرند. آنان که اختراعات و نوآوریهای مهم یا کفکهای برجستهای کرده اند باید به خوبی پاداش بگیرند.

علم، تکنولوژی و آموزش در توسعه اقتصاد ملی ما بنیهای مهم هستند. پیشرفت در اصلاح ساخت اقتصادی، اصلاح سازمان علمی، فنی و آموزشی ما را به عنوان یک موضوع با اهمیت مبرم و فزاینده راهبردی مطرح می سازد. کمیته مرکزی بحثهای ویژه درباره این موضوعها خواهد داشت و تصمیمهای مناسب را خواهد گرفت.

۱۰. برای تضمین موفقیت اصلاحات، رهبری حزب را تقویت کنیم.

اصلاح ساخت اقتصادی چین در منطقه ای نسبتاً وسیع و به طرز نسبتاً عمیق به اجرا در خواهد آمد. این اصلاح رابطه مستقیمی با آینده کشور خواهد داشت و بر منافع حیاتی میلیونها و میلیونها کارگر، دهقان و روشنفکر اثر خواهد نهاد. همه رفقای حزبی باید در جنبه مقدم اصلاحات، که روند عصر ما را نشان می دهد، قرار گیرند. اصلاحات یک تلاش گاوشرگ و نوآورانه توده ها و بسیار پیچیده است. ما اکنون به طور کلی در مرحله اندوختن تجربه در اصلاح کلی ساختار اقتصادی با تمرکز بر شهرها هستیم، و تعداد زیادی از کادرها با این کار آشنا نیستند. ما موران رهبری کننده حزبی و دولتی در تمام سطوح باید هشیار و منطقی باشند و راهنمایی دقیق نمایند. آنان باید ذهن خود را آزاد کنند. از درون واقعیتها حقیقت را جستجو نمایند و از واقعیت حرکت کنند و سیاستهای حزب را با ترکیب با شرایط واقعی در هر محل، اداره و واحد، به طور خلاق پیاده نمایند. باید به ویژگیهای مناطق مربوطه در اصلاح نمودن ساختار اقتصادی در مناطق اقلیتها ملی توجه کامل شود. تمام اقدامات در اصلاحات باید در عمل آزموده شود، که از این طریق تجربه جدیدی کسب خواهد شد مشکل است بتوانیم از اشتباه اجتناب



کنیم، اما باید هر تلاشی را بکنیم تا هرآنگاه که ممکن باشد، از اشتباهها پیشگیری نماییم. به محض اینکه یک اشتباه پیش بیاید، باید بکوشیم فوراً آن را پیدا کنیم، قاطعانه آن را تصحیح نماییم، درسهایی از آن کسب کنیم و به پیشروی ادامه دهیم. ما باید در اجرای اصلاحات کامهای فعال اما محتاط برداریم، باید وقتی نسبت به موفقیت مطمئن هستیم قاطعانه اصلاحات را اجرا نماییم، وقتی شرایط آماده است اصلاحات را یک به یک انجام دهیم، و وقتی نسبت به موفقیت مطمئن نیستیم آزمایش نماییم. ما نباید سعی کنیم که تمام وظیفه را در یک حرکت به انجام برسانیم، تمام اصلاحات عمده‌ای که بر تمام کشور اثر می‌گذارد توسط شورای دولتی و تحت یک برنامه یکسان ترتیب داده خواهد شد. تمام محله‌ها، اداره‌ها و واحدها باید تشویق شوند تا اصلاحات کاوشگرانه و آزمایشی را اجرا نمایند. با وجود این، هر اصلاحی که وضعیت کلی را در بر می‌گیرد یا اصلاحی که دامنه گسترده‌ی دارد باید اول توسط شورای دولتی تأیید شود.

سال آینده سازمانهای حزبی در محله‌ها و بنگاههای بسیاری تحکیم خواهند شد. اصلاحات باید از نزدیک با این امر مرتبط شود. تحکیم حزب باید رشد اقتصادی را تقویت کند، که خود نشانه موفقیت آن است. در حالی که اصلاحات را پیاده می‌کنیم، باید رهبری امر تحکیم حزب را تقویت نماییم، و مسلح کنیم که تحکیم صرفاً "تشریفاتی" نشود، هرچه بیشتر در اقتصاد حیات بدیم و بنگاههای اقتصادی را جان ببخشیم، باید به مبارزه با تأثیر نگاه‌کننده مقابله سرمایه‌داری، از میان برداشتن روش فاسد منفعت طلبی شخصی با سوء استفاده از موقعیت و مقام خود و مانع شدن از هر عملی کذب‌طور جدی به منافع دولت و مصرف‌کننده زبان می‌رساند بیشتر توجه کنیم، و باید به وجود آوردن یک سبک کار خوب حزبی و حسن انضباط را تقویت نماییم و زندگی سیاسی سالم درون حزبی را حفظ کنیم. در کار مرامی و سازمانی در دوره تاریخی جدید، باید قاطعانه اصل هدایت‌کننده حزب که چنان کاری باید به انجام وظیفه عمومی کمک کند و به هدف عمومی تعیین شده توسط حزب برسد و ارتباط نزدیک با ساختمان اقتصادی و اصلاح ساخت اقتصادی داشته باشد را اجرا نماییم. ما باید کادرها و توده‌هایی را که نسبت به اصلاحات مشتاق هستند فعالانه پشتیبانی کنیم، وقتی اشتباهها یا انحرافها در جریان اصلاحات پدیدار می‌شود، گذشته از آنان که به طور جدی قانون و نظم را زیر پا می‌گذارند که باید بر طبق قانون با آنها رفتار شود، ما باید سیاست اقناع، انتقاد و آموزش را نسبت به افراد مربوطه اتخاذ کنیم و نباید به آنها برچسب سیاسی بزنیم. افراد با نظرها و برخوردی گوناگون درباره اصلاحات ممکن است



اختلافهای خود را مطرح کنند، ما نباید بین کادرها و توده‌ها با نامگذاری "اصلاح طلب" (= رفرمیست) روی برخی افراد و "محافظه‌کار" روی دیگران تفرقه بیندازیم، ما باید به رفقایی که برای مدتی از شرایط در حال تکامل عقب می‌افتند اعتماد داشته باشیم، و مطمئن باشیم که در جریان اصلاحات آنان امور را بهتر درک خواهند کرد. در پنج سال گذشته اصلاحات روستایی، بسیاری رفاقا که نسبت به آن دچار تردید بودند با واقعیتها قانع شده و نظرهای خود را تغییر داده‌اند. کمیته مرکزی در هدایت اصلاحات روستایی پیرو اصل آموزش صورانه بوده و در نتیجه پیشرفت آرام آن را تضمین نموده است. این تجربه‌ای گرانبها در حل مسائل مرامی درون حزب بر سر مسئله سیاستهای مهم است، و باید در آینده نیز برای اصل یابدار بمانیم. با ذکر کردن واقعیتها درباره اصلاحات، باید آموزشی زنده در تئوری و سیاستهای اصلاحات برای اعضای حزب و توده‌ها فراهم نماییم. این امر به آنان کمک خواهد کرد تا بفهمند که سوسیالیسم با ویژگیهای جینی باید ملو از نیروی حیات، متفاوت با نمونه‌های خش گذشته و انسانا" متفاوت با نظام سرمایه‌داری باشد. این کار درک آنان از سوسیالیسم علمی را عمیق خواهد کرد تا خود را وقف اصلاحات بنمایند.

اصلاح ساخت اقتصادی به تعسرات عظیمی نه فقط در زندگی اقتصادی مردم، بلکه همچنین در بینش فکری و شیوه زندگی آنان منجر خواهد شد. ما باید تعدن سوسیالیستی را با سطح بالای مادی و نیز سطح بالای فرهنگی و مرامی بسازیم. این امر انحراف ناپذیر حزب ماست. در حین تلاش برای ایجاد یک ساخت پر قدرت اقتصاد سوسیالیستی، باید برای ایجاد یک شیوه زندگی با فرهنگ، سالم و علمی برای تمام جامعه که ضروریات نیروهای مولده نو و در حال گسترش و پیشرفت اجتماعی را برآورد، و از میان برداشتن عقاید عقب مانده و فاسد و جهل کار کنیم. ما باید در سراسر جامعه یک طرز برخورد فعال، آینده‌نگر و متهورانه را ترویج کنیم و برچنان عاداتی همچون از خود راضی بودن، تسلی فکری، ترس از تغییر و سنتی بودن غلبه نماییم. چنان طرز برخوردی به زندگی و چنان طرز تلقی جنبه‌های مهم یک تعدن سوسیالیستی هستند که دارای سطح بالای فرهنگی و مرامی است. آنها به اصلاح ساخت اقتصادی و ساختن یک تعدن سوسیالیستی با سطح بالای مادی تحرک زیادی می‌دهند. رفیق مائوزدوونگ می‌گفت: "انسان دائما" پیشرفت می‌کند و طبیعت دائما" تغییر می‌یابد. آنها هرگز در یک سطح باقی نمی‌مانند. بنابراین انسان مجبور است پیوسته تجربه خود را جمع‌بندی کند و به اکتشاف، اختراع، ایجاد و پیشرفت ادامه دهد. عقیده‌های رکود، بدبینی، بیحالی و از خود راضی بودن همه اشتباهند. آنها اشتباهند



زیرا نه با واقعیت‌های تاریخی توسعه اجتماعی منطبقند و نه با واقعیت‌های تاریخی طبیعت که تا به حال بر ما مکتوف شده است. <sup>۳۳</sup> این گفته یک بیان تریسمی از یکی از نقطه‌نظرهای اساسی بینش جهانی و مفهوم تاریخ از نظر مارکسیستی است. کمونیست‌های چینی پیش‌بردن دائم امر توسعه اجتماعی و ترقی را به عنوان وظیفه تاریخی خویش تلقی می‌کنند. حزب ما در گذشته و تحت حکومت ارتجاعی توده‌های مردم را رهبری کرد تا نظام کهنه را براندازند. تحت نظام سوسیالیستی و با مردمی که اربابان کشور خود هستند، حزب ما توده‌ها را در اجرای آگاهانه و از روی وجدان اصلاحات و تبدیل چین به یک کشور امروزین پر قدرت سوسیالیستی با سطح بالای فرهنگ و دموکراسی رهبری کرده است. شرایط جاری برای اصلاح کردن بسیار مناسب است و مردم در این تلاش بسیار خلاق هستند. □



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 برتال جامع علوم انسانی

✳ نقل شده در گزارش نخست وزیر چوئن لای درباره کار دولت به اولین جلسه سومین کنفرانس ملی خلق چین (۲۱-۲۲ دسامبر ۱۹۶۲).